

شیرزن

نیم‌نگاهی به فرهنگ ملی‌مذهبی‌ها و سلطنت طلبان در برخورد به زن

این واقعیتی است که فرهنگ و زبان رابطه‌ای تنگاتنگ با هم دارند. در این رابطه می‌توان مثال‌های زیادی زد. مثلاً: در زبان فارسی لغتی برای آزار جنسی بچه وجود ندارد. و به کسی که بچه‌ها را مورد آزار جنسی قرار می‌دهد بچه‌باز می‌گویند. اصطلاح بچه‌باز نه قبح عمل آزار بچه را نشان می‌دهد، نه محکومیت این عمل را در بردارد و نه جرم بودن این عمل را نشان می‌دهد. بچه‌باز مثل کفترباز گویای یک نوع سلیقه و تفریح است تا آزار یک انسان! این یک نمونه از نارسایی زبان فارسی است که به خاطر نبود فرهنگ انسانی در برخورد به بچه لغت درست در رابطه با آزار جنسی بچه را نیز ندارد.

در رابطه با زنان این نارسایی زبان فارسی خیلی عمیق‌تر است. تا آنجایی که به خاطر فرهنگ ضدزن می‌بینیم لغاتی در زبان فارسی وجود دارند که در زبان‌هایی که مردم فرهنگی مدرن دارند، چنان لغاتی وجود ندارند. مثل ضعیفه یا لغاتی در زبان‌های این کشورها وجود دارند که در زبان فارسی نیست، چرا که فرهنگش هنوز در بین ایرانیان بوجود نیامده است.

مسئله این است که در رابطه با همه این کمبودهای زبانی می‌توان واژه‌ها و یا اصطلاحاتی پیدا کرد که مفهوم انسانی داشته باشند. مثل استفاده از اصطلاح بچه‌آزاری به جای "بچه‌بازی". ولی متأسفانه از آنجایی که زبان رابطه تنگاتنگی با فرهنگ دارد، خیلی‌ها قادر نیستند از واژه‌هایی استفاده کنند که مفهوم انسانی دارند. چون هنوز درک انسانی نسبت به مسئله ندارند! یکی از این عرصه‌ها برخورد به مبارزات زنان از طرف جریان‌های راست و یا همان ملی‌مذهبی‌ها می‌باشد. در رابطه با مراسم‌های ۸ مارس اطلاعیه‌های زیادی از طرف جریان‌های مختلف صادر شد. برخی از آنها از واژه‌های توهین آمیزی نسبت به زنان استفاده کردند که نشان دهنده درک آنها نسبت به زنان و مبارزات آنها می‌باشد. بعضی از این اطلاعیه‌ها این طور شروع می‌کنند: "شیرزنان ایران"

از آنجا که از نظر این جریان‌های زن در خانه و آشپزخانه است، اگر به خیابان بیایند و برای حقوقشان مبارزه کنند دیگر زن نیستند و در واقع دیگر آدم هم نیستند. بلکه حیوان می‌شوند و آنها از نوع شیر درنده که برایشان سلطان جنگل است. اینها کاری با تاریخ هم ندارند، اینکه این اصطلاح شیرزنان و مقایسه توانایی‌های انسان با حیوانات به کدام دوره تاریخی برمی‌گردد. اینها با فرهنگ دوران فئودالی که آدمها را با حیوانات مقایسه می‌کردند زنان را محک می‌زنند. شاید هرگز این تشابه‌سازی زن و حیوان برای برخی از جریان‌های راست پایانی نداشته باشد. چرا که برابری زن و مرد برای آنها مفهومی بیشتر از برابری در انتخاب لباس نیست. این جریان‌های مبارزات ۲۶ سال گذشته زنان علیه جمهوری اسلامی را نمی‌بینند. گردهمایی‌های چند هزار نفره زنان در ۸ مارس را نمی‌بینند. و آنجا که می‌خواهند از مبارزات زنان تمجید کنند آنها را حیوان می‌نامند. برای آنها زن بالاخره زن است، پس اگر کاری جز خانه‌داری کرد شیر است! گویی در عرض ۲۶ سال گذشته زنان در صف اول اعتراض علیه جمهوری اسلامی نبوده‌اند.

طرفداران چنین نگاهی به زنان ممکن است از این برخورد من تعجب کنند. چرا که فکر می‌کنند کار بدی که نکرده‌اند. تازه زنان را با شیر نامیدنشان دلیر خوانده‌اند و غیره! اینان درک نمی‌کنند که در همان زمینی گام می‌نهند که جمهوری اسلامی توانست قوانین ضدزن را تصویب کند. همان زمینی که خروارها شعر و نوشته ضدزن در آن ستونهای فرهنگی محکم مردسالاری را بنا کردند. تا جمهوری اسلامی با تکیه بر این ستونها بتواند قوانین ضدزن را به کرسی بنشاند و کشتارهای ناموسی را رشد دهد. همان زمینی که مدرن‌هایشان، با اینکه در اروپا زندگی می‌کنند بین تربیت دختر و پسرشان تفاوت قائل می‌شوند. همان زمینی که در آن این تصور وجود دارد که داشتن دختر در کشورهای اروپایی سخت‌تر از داشتن دختر در ایران است. چرا که در ایران به هر حال زنان از بچگی با موانع اجتماعی و قانونی روبرویند و پدر و مادر مجبور نیستند خودشان این محدودیتها را اعمال کنند! در ایران، رژیم کار ایجاد محدودیت و سرکوب زنان و دختران را به جای این نوع خانواده‌ها انجام میدهد.

برای درک بیشتر فرهنگ این جریان‌های کافی است که به تلویزیونهای لوس آنجلسی‌شان نگاه کنید. هر وقت از زن حرف می‌زنند یا زن فلانی است و یا دختر فلانی. به راحتی اصطلاحات "زن مردم" و "ناموس مردم" را بکار می‌برند. از نظر اینها زن مال مرد است و زن به عنوان یک انسان مستقل مفهومی ندارد. برای اینها زن ناموس مرد است و برابری زن با مرد مفهومی ندارد. نه فرهنگش را دارند و نه در زبان‌شان نشانی از این برابری دیده می‌شود! نه تنها درکی از برابری ندارند بلکه واژه‌هایی را بکار می‌برند که مثل فرهنگشان ضدزن است. از قدیم گفته‌اند که ناموس را و مال را باید کنترل کرد، باید پنهانش کرد و از دست‌درازی دیگران دورش کرد! آری در نظر جریان‌های راست و محافظه‌کار زن

همان جایگاهی را دارد که در جمهوری اسلامی دارد. واقعیت مادی یعنی مبارزات زنان نیز چشم اینان را باز نمی‌کند، چرا که با ذهنیتی کهنه به زنان و مبارزاتشان نگاه می‌کنند .

به امید روزی که این جریان‌های سیاسی عینک مردسالاری‌شان را از چشم بردارند .

نسرین پرواز، مارچ ۲۰۰۵